

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام  
سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۸  
مقاله پژوهشی، صفحات ۴۵ - ۶۶

## عوامل تأثیرگذار بر قدرت الهادی الی الحق (حک. ۲۸۴ - ۲۹۸) در یمن

محمد تقی سازندگی<sup>۱</sup>  
محمد طاهر یعقوبی<sup>۲</sup>  
سید محمدرضا حسینی<sup>۳</sup>  
سید حسن قریشی کربن<sup>۴</sup>

### چکیده

زیدیان از سال ۲۸۴ تا ۱۳۸۲ هجری قمری، حکومت طولانی مدتی در یمن داشتند. در میان عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر ماندگاری زیدیان یمن، بی‌تردید نقش الهادی الی الحق (حک. ۲۸۴ - ۲۹۸)، غیرقابل انکار است. این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله است که عوامل تأثیرگذار بر قدرت سیاسی حکومت الهادی در یمن در قرن سوم چه بوده است؟ استخراج و بررسی این عوامل می‌تواند در الگوسازی برای حکومت‌های اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در این مقاله، با تحلیل داده‌های تاریخی، مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، مشخص شد امامان زیدیه با تأسی از سیره پیامبر ﷺ موفق شدند تا توده را جذب و سطح فرهنگی و اجتماعی آنان را ارتقاء دهند. در این پژوهش با تبیین مؤلفه‌ها و معیارهای نهفته در راهبردهای سیاسی - اجتماعی حاکمیت و تحلیل عوامل درونی و گرایش مردم یمن به الهادی، نشان داده شد که الهادی برای تشکیل حکومت به آموزه‌های اسلامی و به خصوص فقه و کلام شیعی - زیدی توجه داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** الهادی الی الحق، امامان زیدی، تاریخ یمن، زیدیان یمن.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم (نویسنده مسئول). Mt.sazandegi92@Gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم. Taher113@Gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم. Mreza\_hoseini@yahoo.com

۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم. Shquorishi@Gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۹

## درآمد

قیام مسلحانه زید فرزند امام سجاد علیه السلام علیه امویان در سال ۱۲۲ به شکست انجامید و زید در این ماجرا کشته شد اما حرکت او موجب شکل‌گیری چندین قیام مسلحانه دیگر مانند قیام یحیی بن زید (متوفای ۱۲۵)، نفس زکیه (متوفای ۱۴۵)، حسین فخ (متوفای ۱۶۹) و ابن طباطبا (متوفای ۱۹۹) و یک مکتب فکری شد که به نام او زیدیه نام گرفت. یحیی بن الحسین بن القاسم رسی معروف به «الهادی الی الحق» یکی از امامان زیدی بود که در سال ۲۸۰ در یمن دعوت خود را آغاز کرد. ماهیت قیام سیاسی - فکری الهادی در امتداد اهداف دیگر زیدیان و متناسب با اهداف شیعیان و علویان بود. الهادی موفق شد سلسله امامان زیدیه یمن را پایه‌گذاری کند. این سلسله که به هنگام تأسیس در قرن سوم با فراز و فرودهای زیادی همراه بود پس از آن با حدود ۵۰ امام، بیش از ده قرن به حیات خود ادامه داد. این پژوهش عوامل موفقیت حکومت زیدیه یمن به دست الهادی الی الحق را مورد بررسی قرار می‌دهد.

حکومت زیدیان در یمن به دوره‌های متعددی تقسیم می‌شود. دوره اول در سال‌های ۲۸۴ تا ۵۸۲ و با ورود الهادی در سال ۲۸۴ به صعده آغاز شد و در نهایت در قرن پنجم با ضعف حکومت و شکست‌های پی در پی از صلیحیون اسماعیلی سقوط کرد. این مقاله عوامل قدرتمندی و موفقیت حکومت الهادی را در دوره شکل‌گیری زیدیه یمن مورد بررسی قرار می‌دهد. الهادی توانست با تاسی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توده مردم را به خود جذب کند. در آن دوره رشد فرهنگی و اجتماعی، ترویج علنی فرائض دینی - مذهبی و احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله برای جذب مردم تأثیرگذار بود. به همین سبب به نظر می‌رسد مردم‌داری و دین‌داری از عوامل موفقیت و تثبیت حکومت الهادی بوده‌است.

## پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های انجام شده حاوی تحقیقات کلی در زمینه تاریخ قبایل یمنی و حکومت‌های زیدیه در یمن است و کمتر به عوامل تأثیرگذار بر حکومت الهادی توجه شده‌است. در این بین کتاب *دولة الزیدیه فی الیمن* نوشته حسن خضیری احمد با ترجمه احمد بادکوبه (۱۳۹۱) در ۴ فصل به برپایی حکومت زیدیه یمن پرداخته‌است اما به

عوامل سیاسی پیش‌برنده حکومت الهادی کمتر توجه کرده است.

مقاله «پیدایش و تطور دولت زیدیه در یمن» نوشته سید علی موسوی نژاد و علی یزدانی (۱۳۸۹)، به وضعیت اجتماعی و سیاسی یمن هنگام ورود الهادی به یمن اشاره می‌کند و پس از پرداختن به جنگ‌های پیاپی الهادی و درگیری‌های او با قبایل، در بخش آخر سیره فرهنگی الهادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. با این همه در این مقاله به تأثیر شکل‌گیری حکومت الهادی در یمن و عوامل شتاب‌دهنده‌ی تثبیت حکومت توجه چندانی نشده است. مقاله «تاریخ سیاسی و خدمات فقهی آل‌رسی در یمن» نوشته فاطمه جان‌احمدی (۱۳۹۲) تا حدودی به مسئله مقاله حاضر نزدیک شده است. جان احمدی پس از بازخوانی تکاپوهای سیاسی ائمه زیدیه در صعده، خدمات علمی و فرهنگی آل‌رسی آنها را بررسی کرده و در بخشی از آن به دوره حکومت الهادی اشاره کرده است. مقاله «بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن» نوشته علی یزدانی و فاطمه جان‌احمدی (۱۳۹۱)، نیز با اینکه عوامل حضور زیدیه در یمن، چالش‌های حکومت زیدیان از جمله حکومت الهادی الی‌الحق را مورد تحلیل قرار می‌دهد اما عوامل پیش‌ران و نقاط قوت حکومت الهادی را به وضوح بررسی نکرده است.

از این‌رو این مقاله با استفاده از منابع دست اول و تحلیل داده‌های تاریخی، موقعیت جغرافیایی، پراکندگی قبایل و قدرت‌های محلی یمن را بررسی کرده تا عوامل تأثیرگذار بر حکومت الهادی الی‌الحق را ارزیابی کند.

### عوامل پیش‌ران حکومت الهادی در یمن

حکومت الهادی در یمن، با چالش‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری روبرو بود. در این بخش عوامل شتاب‌دهنده و پیش‌برنده و تأثیرات آن بر تحولات یمن در دوره تشکیل حکومت زیدیه یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. ضعف خلافت عباسی

خاندان‌های حکومت‌گر نقش اصلی در صعود و افول حکومت‌ها دارند. چنانکه انحطاط سیاسی و ضعف خلفا در اداره حکومت از عوامل زوال و انحطاط حکومت

عباسی به شمار می‌رود. انحطاط سیاسی به این معناست که جامعه در عرصه حکمرانی، دچار پیچیدگی شود به گونه‌ای که این پیچیدگی به افول، سقوط و عقب‌ماندگی آن جامعه بینجامد.

قیام الهادی در یمن مصادف با دوره ضعف خلافت عباسیان بود. حکومت عباسیان در سال‌های ۲۳۲ تا ۳۳۴، در اداره کردن نقاط دور از مرکز حکومت، با دشواری روبه‌رو شده بود و از اعمال مؤثر حاکمیت جز در بخش محدودی از سرزمین عراق ناتوان شده بودند. قیام‌های بسیاری در قلمرو عباسیان شکل گرفت و سرزمین‌های خلافت دچار تجزیه شد. از این‌رو در زمان معتصم عباسی (حک. ۲۱۸-۲۲۷) افزایش قدرت‌های محلی در یمن موجب پیدایش حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در این منطقه شد. با آغاز حکومت متوکل عباسی (حک. ۲۳۲-۲۴۷) نفوذ عباسیان در یمن به شدت کاهش یافت و با عزل و نصب‌های فرمانداران و سوءمدیریت آنها، وحدت و همبستگی یمن از میان رفت و این منطقه دچار تفرقه و پراکندگی شد. با ضعف خلافت متوکل به دلیل تغییر در سیاست اداری، مالی و نظامی و جابه‌جایی پایتخت به سامرا و سرانجام با قتل وی در سال ۲۴۷ (مسکویه، ۱۹/۵) زمینه زوال و افول قدرت عباسی گسترده شد (مسعودی، ۴/۳۰).

حکومت‌های تازه تأسیس استقلال کامل نداشتند و برای ماندگاری با عباسیان تعامل می‌کردند. این حکومت‌ها برای کسب مشروعیت و مقبولیت در بین توده مردم، پیوند خود با خلافت عباسی را حفظ می‌کردند. آنها با اعلام بیعت با خلیفه و اطاعت و وفاداری از وی، قدرت نوپای خود را محکم می‌ساختند و مناسبات و تعاملات مسالمت‌آمیز با دستگاه خلافت برقرار می‌کردند. در یمن چنین تعاملی با خلافت عباسی کمتر مشاهده می‌شود، چرا که ضعف حاکمان عباسی در حکومت‌داری و نارضایتی عمومی موجب شد تا برخی از قبایل یمن در صدد تأسیس حکومت مستقل باشند. به این ترتیب رقابت و تنازع میان قبایل حاکم در یمن فزونی یافت، خاندان آل‌شراحی در ناحیه عَرُکَبَه حکومتی خودمختار برپا کردند و مدت شصت سال (۲۱۸-۲۷۹) در این منطقه فرمان راندند (همدانی، *الاکلیل*، ۶۶/۲). قبایلی نظیر زیادیان از سال ۲۳۰ در

ژبید<sup>۱</sup> (ابن خلدون، ۱۰۶)، آل یَعْفِر در سال ۲۴۷ در صنعا (همدانی، الاکلیل، ۲ / ۱۸۱)، آل طَرِیف، آل ضَحاک، دُعَام<sup>۲</sup> و نیز اسماعیلیان از سال ۲۶۸ قمری به بعد (حمادی، ۲۰۴) اعلام استقلال کردند و همگی تهدیدی برای سیطره عباسیان به شمار می آمدند. بدین رو الهادی از ضعف حکومت مرکزی و ناآرامی اوضاع سیاسی و بلوای قبایل یمنی بهره برد و توانست از وضعیت پر آشوب منطقه، موقعیت خود را در یمن تثبیت کند.

## ۲. دوری یمن از مرکز خلافت

یمن در انتهای جنوبی شبه جزیره عربستان، بین عمان و عربستان سعودی واقع شده است. یمن در ورودی تنگه باب المندب، از طریق خلیج عدن دریای سرخ را به اقیانوس هند پیوند می دهد. به همین سبب یمن یکی از فعال ترین و راهبردی ترین خطوط ترابری دریایی جهان را در اختیار داشته است.

فاصله عراق تا یمن ۵۲ مرحله ذکر شده است (بکری، ۱ / ۱۴۸). ناصر خسرو در سفرنامه خود مسافت کوفه تا عدن در جنوب یمن را پانصد فرسنگ گزارش کرده و می نویسد از مکه تا یمن سرزمین حمیری ها و از مکه تا کوفه سرزمین مردم عرب بوده است (همان، ۱۲۳). این موقع جغرافیایی، شرایط ویژه سیاسی برای یمن ایجاد کرده بود.

تشتت سیاسی منطقه از عوامل بازدارنده نفوذ الهادی در یمن بود. مردم به پیروی از حکومت خاصی دلبستگی نداشته آزادی در همه عرصه ها را خواستار بودند. سفر اول الهادی به یمن در سال ۲۸۰ به دعوت قبیله بنی فطیمه (ابن محمد، ۱ / ۱۶۷) و به خصوص به دعوت دعام بن ابراهیم انجام شده بود (علوی، ۱۱۳). در این سفر الهادی وضع سیاسی، قبایل و یاران یمنی را ارزیابی کرد (خضیری، ۴۱). به سبب آشوب داخلی و تمرد قبایل از دستوره های شرعی (ابن محمد، ۷)، الهادی از اینکه خود را درگیر ماجراجویی نافرجام کند هراس داشت به همین سبب به حجاز

۱. ژبید: (zobeid)؛ نسب این قبیله به قبائل بزرگ مذحج می رسد و طبق نظر نسب شناسان، ژبید لقب نیای قدیم آنها یعنی منبه بن صعوب بن سعد العشیره بن مالک بود (قلقشندی، ۱ / ۳۲۷).

۲. دُعَام: دعام بن ابراهیم (متوفای ۲۹۸) رئیس قبیله همدان، از امرای معروف یمن است. وی در یاری به دیگران، سوارکاری، زیرکی و جود شهرت داشت (زرکلی، ۳ / ۱۷).

برگشت (محلی، ۱۹ / ۲).

به سبب دوری مسافت، حاکمان عباسی تلاش زیادی برای سیطره بر یمن انجام نمی‌دادند و صرفاً به انتصاب فرمانده و استاندار بسنده می‌کردند. در دوره ضعف اعزام سپاه برای سرکوبی شورش‌ها نیز برای خلافت عباسی صرفه سیاسی و اقتصادی نداشت. فاصله زیاد یمن تا بغداد، فاصله میان منزل‌ها و آبادی‌ها، سختی مسیرهای بیابانی و کوهستانی و جلگه‌ای و کمبود منابع آب و غذا از مهمترین علل عدم توجه جدی خلفای عباسی به این منطقه بود. به این سبب این منطقه از جایگاه ویژه‌ای برای جذب مخالفان حکومت برخوردار بود. ناخرسندی عامه مردم از عباسیان، بستری مناسب و زمینه مساعد برای تشکیل قدرت‌های ناراضی محلی در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور ایجاد کرده بود.

با توجه به ضعف و زوال دستگاه خلافت، عباسیان که توان اعزام سپاه نداشتند، صرفاً به تحریک قبایل مخالف الهادی همچون «بنی‌یعفر» (علوی، ۲۱۶)، «اکیلیان» و «بنی‌طریف» (ابن‌عبدالحمی، ۳۷) و ایجاد ناامنی و شورش در حکومت زیدیان بسنده کردند (خضیری، ۶۸). در آن ایام تنها وابستگی قدرت‌های یمنی به خلافت عباسی، ذکر نام خلیفه بر منابر بود. از این‌رو الهادی توانست بیش از پیش از نفوذ عباسیان در یمن بکاهد (ابن‌عبدالحمید، ۳۹).

خلیفه معتمد عباسی (حک. ۲۵۶-۲۷۸) حکومت صنعا را به محمد بن یعفر وعده داده بود. با این حال او در کوه‌های شبام و کوکبان در نزدیکی صنعا قلعه‌ای محکم ساخته و یاران زیادی جمع کرده بود و خود تهدید جدی برای عباسیان بود<sup>۱</sup> (زید، معتزله الیمن، ۴۲). تشکیل حکومت آل زیاد در یمن، قبایل دیگر را برای تأسیس حکومت‌های محلی در مناطق کوهستانی یمن به طمع انداخت (خضیری، ۱۰۳). خلفا سرگرم مقابله با قیام‌های «قرامطه» بودند و نمی‌توانستند از قبایل هم‌پیمان یمنی خود همچون «اکیلیان» حمایت کنند. اکیلیان در انتظار ارسال سپاه از سوی خلیفه برای مقابله با الهادی بودند

۱. بنویعفر با وجود استقلال و تشکیل حکومت، سال‌ها از آل زیاد، اطاعت می‌کردند و به نام آنها خطبه و سکه می‌کردند و به آنها مالیات می‌دادند (عمار، ۵۵-۵۸).

که خلیفه معتضد (متوفای ۲۸۹) و مکتفی (متوفای ۲۹۵) به دلیل مشکلات داخلی و دوری یمن و نبود زمان کافی برای ارسال سپاهیان، نتوانستند به آنها یاری رسانند (علوی، ۱۶؛ ابن محمد، ۳۳). هرچند دوری مسافت، انگیزه خلفای عباسی برای یاری رساندن و اعزام سپاهیان به یمن را می‌کاست اما نمی‌توانستند در برابر پیشروی و تشکیل حکومت زیدیه به دست الهادی سکوت کنند. خلیفه مکتفی (متوفای ۲۹۵) سپاهی به فرماندهی علی بن حسین معروف به «جفتم» به یمن فرستاد (ابن عبدالمجید، ۳۸). جفتم توسط اسعد بن ابی‌یعفر کشته شد و پس از آن خلیفه عباسی سپاهی برای سرکوبی الهادی روانه یمن نکرد (ابن محمد، ۳۶).

### ۳. تأسیس حکومت مستقل و برقراری امنیت

اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مسئله هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت پیش شرط هرگونه توسعه و رفاه و ارتقای مادی و معنوی جامعه به حساب می‌آید. الهادی با روحیه استقلال‌طلبی و عدم وابستگی، به فکر تشکیل حکومت و برقراری امنیت و صلح پایدار بود (ابوزهره، ۵۵۱). او بعد از انسجام درونی یارانش، به ایجاد امنیت در قلمرو حکومت خود پرداخت و در برقراری امنیت در حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اعتقادی کوشید. الهادی با تلاش‌های بسیار توانست باورهای عمومی و اطاعت‌پذیری مردم را نسبت به حاکمیت خویش تقویت کند و درصدد بود تا با استفاده از سیاست‌های اقتصادی و امنیتی توجّه گروه‌های فقهی، علمی و فکری جامعه و اهل ذمه را به خود جلب کند (شرف‌الدین، تاریخ الیمن الثقافی، ۲۲۵/۴). الهادی در نامه‌ها و سخنرانی‌ها برای مردم، آنها را به جهاد دعوت می‌کرد (ابن محمد، ۱۰) و کارگزارانی را به مناطق مختلف می‌فرستاد، تا با دعوت از سایر قبایل به جهاد و اخذ خراج، درآمدهای حکومت نوپای خود را افزایش دهد (علوی، ۴۳).

پیروان زیدیه معتقدند که امام و رهبر جامعه باید فردی عالم به کتاب و سنت پیامبر ﷺ و همچنین دارای سجایای اخلاقی و با تقوا و شجاع باشد و نسبت به مردم با عدالت برخورد کند (علوی، ۳۳). او در برابر حاکم ظالم و ستمگر ایستادگی و قیام

کند (ابن مرتضی، ۱/ ۴۰). در اندیشه زیدیه دعوت یکی از راه‌های شناخت امام و تثبیت امامت است و به آیه ۳۳ سوره فصلت: «گفتار چه کسی بهتر است از آن‌کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد»<sup>۱</sup> و آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند»<sup>۲</sup> برای اثبات مدعای خود مبنی بر دعوت، استدلال می‌کردند (اشعری، ۲/ ۱۲۵؛ زید، معتزلة‌الیمین، ۳۵-۳۷).

الهادی درصدد بود تا با بیان احکام اسلامی و شرح اصول دین، حکومت دینی تشکیل داده و جایگاه خود را به عنوان امام تثبیت کند. بعد از تأسیس حکومت زیدیه بخش زیادی از یمن از قلمرو حکومت عباسیان خارج شد. مردم یمن از جمله مردم صعده در سال ۲۸۸ با الهادی به عنوان امام بیعت کردند (ابن محمد، ۱۸) و نام او را بر منابر «امیرالمؤمنین» خواندند و سکه به نام او ضرب شد. (زرکلی، ۸/ ۱۴۱). این عمل نشانه اعلام استقلال او از حاکمیت وقت بود و چنان آوازه حکومتش گسترده شد که حاکم مکه نیز از طرفداران او شد و به مدت هفت سال به نامش خطبه خواند (همان، ۱۴۲). تلاش الهادی برای رسیدن به امامت و تشکیل حکومت در نامه‌ها و سخنانش نیز مشهود است: «سوگند به خداوندی که جز او خدایی نیست و به حق پیامبر ﷺ که این حکومت را از روی اختیار نخواستم و چون حجت بر من تمام شده بود، به ناچار قبول کردم» (علوی، ۴۹) و نیز می‌گوید: «به خدا سوگند دوست داشتم خداوند به وسیله من اسلام را سامان بخشد و من دست به ستاره پروین داشتم، آنگاه بر زمین فرود آمد، پس دعوت من دعوت جاهلی نیست» (همانجا). همچنین الهادی در بیان وظایف امام می‌گوید: «امام باید با ظالمان و ستمگران مبارزه کرده و با شمشیر قیام کند، هرچند خود را در معرض خطر گذارد، امام باید پرچم حق را برافرازد و از حقوق مردم دفاع کند و با مردم به نیکی و نرمی و مهربانی رفتار کند و حق مظلوم را از ظالم پس گیرد و بیت‌المال را با عدالت در جهت مصالح مردم هزینه کند و آنها را مجبور به کاری نکند و



۱. «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا».

۲. «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».



مجری احکام الاهی در بین آنها باشد» (الهادی، ۵۰۸).

الهادی برای ایجاد امنیت، فرماندهان و کارگزارانی برای اداره امور به مناطق تحت سیطره اش گسیل کرد تا ضمن حفظ امنیت، سپاه نیرومندی گردآورند (علوی، ۴۳). او با کسانی که صلح را نمی پذیرفتند، با شدت برخورد می کرد و با شورشیان می جنگید (ابن محمد، ۱۳). الهادی دستور داد خانه های قبایل «وداعه»<sup>۱</sup> و «ربیع»<sup>۲</sup> تخریب و درختان میوه و نخل هایشان قطع شود (علوی، ۹۰؛ ابن محمد، ۱۳، ۲۰). او با «قرمطیان» و دیگر «باطنیان» پیوسته در جنگ بود. گزارش شده که در بیشتر ۷۳ باری که به جنگ آنها رفته شخصاً جنگ را رهبری می کرد (شرف الدین، تاریخ الیمن الثقافی، ۴/ ۲۲۸، ۲۲۹).

الهادی با کسب اقتدار سیاسی و معنوی توانست با تلاش بسیار و جنگ های طاقت فرسا، امنیت و صلح را در بخشی از مناطق وسیع یمن برقرار کند و به برخی از جنگ های طولانی میان قبایل صعده و اطراف آن پایان بخشد (علوی، ۴۲). دستاورد سیاسی الهادی در تشکیل و تثبیت حکومت، گامی جدید در تاریخ حکومت زیدیه به شمار می رود. دوران اولیه تشکیل حکومت الهادی با آشفتگی و شورش قبایل همراه بود و علی رغم آن شورش ها توانست صنعا را از اسعد بن ابی یعفر خارج کند (سرور، ۶۲) و مرزهای حکومتش را از شمال تا نجران و از جنوب تا عدن گسترش دهد.

#### ۴. برقراری صلح میان قبائل

قبایل از ارکان مهم ساختار اجتماعی و سیاسی یمن بودند و در طول تاریخ نقش مهمی در تحولات سیاسی یمن ایفا کردند. رقابت های قبایل ساکن در یمن، نقش تعیین کننده در چالش های سیاسی ادوار حکومت زیدیان داشته است. امامان زیدی با هدف کسب حاکمیت و اقتدار و حفظ موجودیت سیاسی و مذهبی برای ایجاد صلح و آرامش و تعامل بین قبایل تلاش می کردند. الهادی به گذشت و عفو و تسامح معروف بود

۱. قبیله وداعه: در روستای شوکان از توابع نجران ساکن هستند (همدانی، صفه جزیره العرب، ۲۸۳، ۱۶۴).

۲. بنی حارث بن کعب: قبیله عرب قحطانی یمانی از فرزندان حارث بن کعب بن عمرو بن غلبه بن جلد بن مالک (مدحج) که نسب آنان به نیای بزرگشان یعرب بن قحطان می رسد (ابن حزم، ۱/ ۴۴۷).

(واسعی، ۲۱). او برای تثبیت حکومت و حفظ قدرت، در صعده دست به اصلاحات سیاسی، امنیتی و فرهنگی زد. بعد از فراخوان الهادی به قبایل یمنی برای صلح و آشتی، قبیله‌هایی نظیر احلاف<sup>۱</sup>، شاکر<sup>۲</sup>، ثقیف<sup>۳</sup>، وادعه<sup>۴</sup> و نیز جمعی از بنی حارث با الهادی بیعت کردند (علوی، ۶۶). الهادی با توجه به مشکلات اقتصادی، مالیات، زکات و صدقات برخی قبایل را بخشید تا اعتماد قبایل را جلب کند (ابن محمد، ۱۰). الهادی همچنین برای فرونشاندن تحریکات قبایل مخالف مانند اکیلیان و فطیمیان با آنها صلح کرد (حسنی، ۱۳). او در سال ۲۸۴ به سوی نجران حرکت کرد (همان، ۶۶) و مسائل اختلافی مانند قتل و غارت و تخریب خانه‌ها و مزارع را که بین بنی حارث و قبایل اطراف از جمله شاکر و احلاف رخ داده بود (همان، ۶۸) با صلح و سازش برطرف کرد (ابن محمد، ۱۱). الهادی در سال ۲۸۵ با سپاهش به سوی جنگ با دُعام بن ابراهیم<sup>۵</sup> و فرزندش ارحب بن دعام رفت (علوی، ۹۹). الهادی در روستای خرفان<sup>۶</sup> با قبیله سبیع از نزدیکان دعام، برخورد کرد. مردم روستا از وحشت خانه‌های خود را رها کرده و به کوه‌ها پناه برده بودند. الهادی آنان را به صلح و بیعت دعوت کرد و برای آنها امان‌نامه فرستاد (علوی، ۲۱۸).

روش مذاکره الهادی نیز با تأسی از قرآن<sup>۷</sup> و روش حکومتداری پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام بر اساس مکاتبه، گفتگو تا رسیدن به توافق بر سر مسائل مورد اختلاف بود. نامه‌نگاری‌هایی الهادی با رؤسای قبایل و مردم حاکی از روابط مسالمت‌آمیز او در ایجاد

۱. احلاف: از قبایل بنی‌جماع در صعده بود (حجری، ۱۹).

۲. شاکر: از قبایل همدان و از اولاد شاکر بن ربیع بن مالک هستند (همدانی، الاکلیل، ۱۰ / ۲۳۷).

۳. ثقیف: از قبایل مشهور و نیرومند و پرجمعیت عرب بود که مردمش در طائف سکونت داشتند و دو طائفه مهم به نام‌های احلاف و بنی‌مالک داشت (ابن‌عنه، ۶۵) که جنگ‌ها و نبردهای داخلی بسیاری بین آنها روی داده بود (کحاله، ۱ / ۱۴۷).

۴. یام: از قبایل همدان و شاخه‌ای از ابوالعشیره یامی است (همدانی، صفة جزيرة العرب، ۱۰ / ۷۳-۶۸).

۵. دعام در سال‌های ۲۸۱ تا ۲۸۵ توانست بر قبیله بنی‌یعفر مسلط شود و صنعا را فتح کند. بعد از آن الهادی توانست صنعا را از دست او خارج و بر اوضاع صنعا مسلط شود (همدانی، الاکلیل، ۶۷، ۱۷۶).

۶. از روستاهای یمن است.

۷. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»: در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار بگیرید» (حجرات، ۱۰).

صلح و سازش و دوستی با مخالفان است (ابن محمد، ۱۰؛ ابن محمد، غایه الامانی، ۱۶۸). الهادی برای جلوگیری از خونریزی و اتلاف سرمایه‌های مادی و انسانی، میانجیگری می‌کرد و تا حد امکان به میانجیگری‌های دیگران جواب مثبت می‌داد. برای مثال نزاع دیرینه میان قبایل خولانی<sup>۱</sup> و سلمانی را به صلح و آشتی رساند (ابن محمد، ۱۹) و نیز چالش‌های بین قبایل بنی‌ربیع و گروهی از سبیع<sup>۲</sup> را حل و فصل کرد (علوی، ۱۲۶).

### ۵. همگرایی و تفاهم با ادیان

همگرایی با ادیان یمنی نظیر یهودیان و مسیحیان نجران از سیاست‌های الهادی در اداره حکومت بود (بروکلمان، ۲۲۸). چرا که مناسبات میان حکومت و اقلیت‌های دینی و مذهبی و ایجاد همگرایی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از رقابت‌ها و تنازعات می‌کاست و نیز به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع عقیده، اختلاف‌های فرهنگی و مذهبی را رفع کرده و موجب وحدت و همگرایی می‌شد. الهادی برای توسعه و بهبود روابط بین ادیان یهود و نصارا و بهره‌گیری از این فرصت جهت ایجاد صلح و امنیت همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز، احکام و ضوابط خاصی را در قالب دستورات شرعی صادر کرد و همه پیروان خود را به حسن معاشرت و رفتار انسان‌دوستانه فراخواند. الهادی بعد از استقرار حکومتش، به تدبیر امور پرداخت و با مسیحیان ساکن در نجران (ابن قاسم، ۱۶۸) پیمان بست و ضمن قراردادی مقرر کرد تا «یک نهم» از غله زمین‌های کشاورزی که قبلاً از مسلمانان خریدند را بپردازند. آنها حق ندارند از مسلمانان زمین بخرند و اگر پس از فتح اسلام زمینی خریده باشند، باید به صاحبان مسلمانان بازگردانند و نیز زمین‌هایی که در زمان جاهلیت از نیاکان خود به ارث بردند، همچنان در اختیار داشته باشند. سپس بر آنان جزیه بست (علوی، ۷۶-۷۷) و دستور داد چهل و

عوامل تأثیرگذار بر قدرت الهادی الی الحق ...



۱. خولان: نام قبیله‌ی قحطانی ساکن در یمن است که نسب این قبیله به «کهلان بن سبا» یا «قضاعه» می‌رسد (ابن اثیر، ۴۷۲/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۳۷).

۲. سبیع: نام گروهی از قبیله همدان است که از فرزندان «عبدعباد سقل» و نسب آنها به «سبیع بن صعبن معاویه» می‌رسد (ابن حزم، ۴۷۵/۱)؛ گروهی از سبیع نیز در کوفه ساکن شدند و محله‌ای به نام آنان منسوب است (سمعانی، ۲۱۸/۳).

هشت درهم برای اشراف و بیست و چهار درهم برای طبقه متوسط و دوازده درهم برای فقرا و ضعفا پرداخت شود، تا از حمایت مسلمانان برخوردار شوند (همان، ۷۲-۷۶).

هدف الهادی این بود تا بدون پایمال کردن حقوق اهل کتاب، زمین‌های مسلمانان را پس بگیرد و راه‌هایی را که منجر به وابستگی مسلمانان به اهل ذمه شود را مسدود سازد. به همین سبب او واجب کرد تا همه بردگان مسلمان، از پول بیت‌المال و یا زکات خریداری و آزاد شوند (شرف‌الدین، تاریخ الفکر الاسلامی فی الیمن، ۴/ ۲۲۸، ۲۲۹). وی همچنین در سالی که خشک‌سالی<sup>۱</sup> و ناامنی و گرانی شیوع پیدا کرده بود (هارونی، ۳۷)، زنان مسیحی و یهودی را از پرداخت هرگونه جزیه و مالیات معاف کرد (الهادی، ۶۲۲) و به اهل ذمه گفته بود اگر کسی آزارشان داد، به او اطلاع دهند تا به شکایات و مشکلات آنان رسیدگی شود (علوی، ۳۸۸).

الهادی با عمل به آیات قرآن<sup>۲</sup> و تأسی از پیامبر ﷺ، به دنبال رابطه صلح‌آمیز و آشتی‌جویانه با پیروان سایر ادیان بود. او علاوه بر دعوت به مسالمت با ادیان، به دنبال نقاط مشترک و تلاش جهت رسیدن به تفاهم با پیروان ادیان بود.

## ۶. خصوصیات اخلاقی و اعتقادی الهادی

### الف: خصوصیات اخلاقی

گذشته از عوامل زمینه‌ساز تشکیل حکومت توسط الهادی، شخصیت و روحیه الهادی یکی از عوامل تأثیرگذار و پیش‌برنده در تثبیت حکومتش بود. الهادی دارای روحیه اجتماعی در ارتباط با توده مردم بود. او با خصوصیات اخلاقی نظیر زهد، تقوا و عدالت‌خواهی و با بهره‌برداری از روایات منتسب<sup>۳</sup> به پیامبر اکرم ﷺ در مورد «شخصی

۱. با توجه به منابع خشک‌سالی در سال‌های ۲۸۰ تا ۲۸۴ رخ داده بود.

۲. «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سخنی که میان ما و شما یکسان است تکیه کنیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و برخی از ما بعضی دیگر را به خدایی نگیرد. پس اگر از این پیشنهاد سر باز زدند و اعراض کردند، بگویید شاهد باشید که ما مسلمانییم، نه شما» (آل عمران/۶۴).

۳. پیامبر ﷺ فرمودند: «او همان کسی است که اسلام را در سرزمین یمن نشر می‌دهد، بعد از آنکه ظلمات کفر در آنجا مترکم می‌شود و امواج الحاد در آنجا متلاطم می‌گردد»؛ در روایتی دیگر با دست به سوی یمن اشاره کرده

از فرزندانش که در یمن قیام می‌کند» (محلّی، ۲/ ۲۵) مشروعیت خود را تضمین کرده بود (صعدی، ۱۷۷). الهادی با احیای ارزش‌های دینی-مذهبی و تأسی از روایات پیامبر ﷺ، شخصیتی «کاریزماتیک» از خود نشان داد و در میان مردم نفوذ کرد. برخی منابع تاریخی شخصیت وی را مهربان و قوی‌الجثه ترسیم کرده‌اند (ابن‌فند، ۲/ ۵۷۳). الهادی با روحیه جهادی و ظلم‌ستیزی موفق شد اقتدار عباسیان را در منطقه یمن به چالش بکشاند. وی امور و شئون زندگی مردم را بر اساس عدالت و ارزش‌های اسلامی، تدبیر و اداره می‌کرد و توانست با قیام به سیف و تأسیس حکومت، جامعه را از انحراف، ظلم، وابستگی و نیرنگ، پاکسازی کند. الهادی با شجاعت و اقتدار به دنبال تشکیل حکومت بود و خود را صاحب حقّ می‌دانست، چرا که به نظر او حکومت ارث به جای مانده از پیامبر اکرم ﷺ بود (محلّی، ۲/ ۲۳۹).

#### ب: خصوصیات اعتقادی

الهادی در مباحث علمی مانند تفسیر، فقه و کلام صاحب‌نظر بود و کتاب‌های بسیاری تألیف کرده بود.<sup>۱</sup> قرن سوّم شروع فعالیت و تکاپوی علمی امامان زیدیه است. هرچند الهادی در آن دوره در حال جنگ و حکومت‌داری بود، اما با این همه دست از تألیف کتب علمی برنداشت. الهادی با تألیف کتاب‌های فراوان دیدگاه‌های پدربزرگ خود را دوباره تبیین کرد و میراث فکری شامل تألیفات و مکاتبات، از خود به جای گذاشت که محور اندیشه و تفکر زیدیه تا اواخر قرن پنجم محسوب می‌شود. وی متفکری اندیشمند و سیاست‌مدار و دارای راهبرد بود و با توجه به مجموعه بلند تألیفات و رسائل، که حاکی از آگاهی مذهبی و سیاسی اوست و با تأثیرپذیری از بخشی از افکار و عقاید قاسم‌رستی، توانست مذهبی متمایز و نوینی به نام «هادویه» تأسیس

فرمودند: «مردی از فرزندانم به نام یحیی الهادی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، با او حقّ زنده می‌شود» (محلّی، ۲/ ۲۵)؛ و در روایتی فرمودند: «هر کس یمنی‌ها را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که با آنها کینه‌ورزی کند با من کینه‌ورزیده است» (ابن‌بابویه، ۲/ ۵۴۱).

۱. زیدی‌ها معتقدند کسی که در فقه و دیگر رشته‌های مهم علمی در سطح پائین باشد و یا مشهور به ردائیل اخلاقی باشد، نمی‌توان او را امام دانست. امام باید در ردیف دانشمندان بزرگ عصر خود باشد، اگر چه داناترین آنها نباشد (حمیری، ۱۵۱).

کند.<sup>۱</sup> الهادی علی‌رغم چالش‌ها و نبردهای متعدد داخلی، دست از تألیف برنداشت و با میراث گران‌بهایی از تألیفات و رسائل گوناگون (شرف‌الدین، تاریخ الفکر الاسلامی فی‌الیمین، ۲۱۱) و فعالیت علمی، ارکان فرهنگی حاکمیت خویش را کامل کرد. از آثار وی می‌توان به: اصول‌الدین، المنتخب، تثبیت الامامة، الفنون و تفسیر قرآن اشاره کرد. فهرست بلند تألیفات، حکایت از توانمندی علمی او دارد. مجموعه رسائل به‌جا مانده از یحیی بن حسین در مجموعه‌ای با عنوان مجموع رسائل الامام الهادی الی الحق القویم به چاپ رسیده است؛ در این مجموعه حدود سی و هشت رساله و جواب‌های الهادی<sup>۲</sup> جمع‌آوری شده است (ابن‌ندیم، ۲۷۴؛ محلی، ۲/ ۲۹).

سیاست امامان زیدی برای جذب مردم، ترویج علنی فرائض دینی - مذهبی و احیای سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. الهادی در حکومت‌داری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسی می‌کرد و توجه ویژه به احکام حلال و حرام،<sup>۳</sup> اجرای حدود الهی، امر به معروف و نهی از منکر داشت. حضور در عبادات جمعی مانند نماز جماعت، نشان از رویکرد اعتقادی و مذهبی الهادی دارد. الهادی پس از رسیدن به شهر صعده طی نامه‌ای، مردم را به جهاد دعوت کرد (ابن‌محمد، ۱۰) و اصول دین، معرفت خداوند و مباحث توحید، عدل، وعد و وعید، امر به معروف و نهی از منکر و قیام با امامان اهل بیت علیهم السلام را برای مردم تشریح کرد (صبحی، ۱۴۰). او در این نامه، خطاب به مردم گفت: «ای مردم! شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امر به معروف و نهی از منکر و به آنچه خدا من را به آن امر کرده، دعوت می‌کنم. من چهار شرط برای خود قرار می‌دهم. اول، به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله حکم کنم. دوم، پیروانم را بر خود مقدم دارم و بر آنان برتری نجویم. سوم، آنان را در مقرری بر خود مقدم دارم. چهارم، هنگام جنگ در پیشاپیش آنان باشم. حال

۱. عقاید الهادی با قاسم رسی متفاوت بود. برای نمونه الهادی تمام اصول معتزلی را پذیرفت و به جای اصل منزله بین المنزلتین، اصل امامت را جایگزین کرد. اما قاسم رسی، تأثیر کمتری از معتزله پذیرفت و با جایگزینی کتاب و سنت به جای منزله بین المنزلتین، اختلاف میان زیدیه و معتزله را بیشتر کرد (عارف، ۱۹-۲۳).  
 ۲. از رسائل قابل توجه در این مجموعه رد مجبره، رد تحریف قرآن، تأیید منزله بین المنزلتین معتزله، رد حسن بن محمدبن حنفیه در جبر، ادله امامت امام علی علیه السلام و عصمت انبیاء است.  
 ۳. محلی در حائائق‌الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه آورده است: «الهادی در سن هفده سالگی تألیف را آغاز کرد و کتاب الاحکام فی الحلال والحرام را در موضوعات گوناگون فقهی نگاشت» (محلی، ۲/ ۱۵).

در مقابل این شروط یک شرط داریم. تا هنگامی که خدا را اطاعت می‌کنم در آشکار و پنهان از من اطاعت کنید، به خدا سوگند تا هنگامی که مرا اطاعت کنید، چیزی از پیامبر اکرم ص مفقود نشده مگر جسمش و اگر از او امر الهی و رسولش مخالفت کردم، دیگر از من تبعیت نکنید» (الهادی، ۵۳۱؛ علوی، ۴۸-۴۹). از این نامه معلوم می‌شود که انگیزه‌ی الهادی، حفظ شعائر دینی بوده و خود را پرچم‌دار احیای سنت پیامبر اکرم ص می‌دانسته است. الهادی نمازهای خود را در مسجد می‌خواند و مردم را موعظه می‌کرد (علوی، ۳۸۶). او زنان را به حجاب (الهادی، ۱۰)، بستن نقاب و روپوش امر می‌کرد (علوی، ۱۲۶). الهادی مسجد را محل بستری بیماران و مجروحان قرار داد و برای عیادت به آنان سرکشی می‌کرد (هارونی، ۱۴۵). او پس از آن به کارگزاران و والیان خود در شهرها دستور داد، امر به معروف کنند و علاوه بر اصول دین و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، به مردم نماز و قرآن بیاموزند (الهادی، ۵۴۲؛ علوی، ۴۴-۴۵؛ ابن محمد، ۳۸۶).

#### ۷. قرابت اعتقادی - فکری به امامیه و معتزله

نقش سیاسی و اجتماعی امامیه در طول تاریخ از اهمیت و ارزش فراوانی برخوردار است. امامیه به سبب دارا بودن احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، از فرهنگ غنی و سرمایه گران‌بهایی برخوردار بود. زیدیه به دلیل عمل‌گرا بودن، در ابتدای دوره شکل‌گیری کمتر به مباحث فرهنگی-اعتقادی پرداختند. در آن زمان ارتباط زیدیه با امامیه و معتزله برقرار شد و این ارتباط با وجود فراز و نشیب‌هایی از قرن دوم تا پنجم حفظ شد. نخستین مرحله این ارتباط را باید در روابط زیدبن علی (متوفای ۱۲۲) و واصل بن عطا<sup>۱</sup> (متوفای ۱۳۱) بنیانگذار مکتب اعتزال جستجو کرد. زیدیه در اصول اعتقادی معتزلی و در فقه

۱. ابوحنیفه واصل بن عطا معروف به غزال به سال ۸۰ هجری در مدینه متولد شد. واصل بر این عقیده بود که مرتکب کبیره را نمی‌توان کافر خواند چون او به توحید اقرار کرده و برخی صفات حمیده را نیز داراست، بلکه فاسق است و فسق حد وسط میان ایمان و کفر است و چون در قیامت انسان‌ها یا اهل شقاوتند و یا سعادت، فاسق اگر بدون توبه بمیرد، در دوزخ مخلد خواهد بود. این نظریه به «منزلة بین المنزلتین» شهرت یافت (شهرستانی، ۳۸-۴۰). این اختلاف موجب کناره‌گیری واصل و پیروانش از حسن بصری شد، از این رو معتزله نامیده شدند (مقدسی، ۱۴۲/۵-۱۴۳).

حنفی مسلک هستند (مقاله، ۱۶). علت نزدیکی الهادی به حنفیان به عمل‌گرایی زیدیه برمی‌گردد. امامیه به سیاست‌های فرهنگی اعتقاد داشتند و از قیام‌ها و پدیده‌های کم‌دوام سیاسی که نتیجه‌ای جز سرکوب نیروهای معترض نداشت، فاصله می‌گرفتند از این‌رو به تقیه و فعالیت فرهنگی روی آوردند. اما زیدیه در مواجهه با عمال ظلم قیام به شمشیر را به عنوان هدف برگزیدند و به همین خاطر در عرصه فرهنگی مجبور شدند از مکتب اعتزال بهره‌گیرند تا جائی که برخی، زیدیه را با معتزله یکی دانسته (ملطی، ۳۴-۳۵) و برخی نیز معتزله را از فرق زیدیه شمرده‌اند (احمدعبدالله، ۶۶).

الهادی پس از ورود به یمن (۲۸۴) با اقدامات علمی و فرهنگی، زیدیه را در مسیر رشد و تکامل قرار داد و با تثبیت مبانی فکری زیدیه که در بخشی از عقاید و اندیشه‌ها وام‌دار جدّ خود «قاسم‌رستی» بود (حسنی، ۵۶۷)، کوشید مبانی و اصول اعتقادی را بیش از پیش به امامیه نزدیک کند. رویکرد الهادی در مواجهه با تفکر دینی، عقلی و نقلی بود، اما بیشتر تحت تأثیر معتزله و عقل‌گرایی بود و در آثارش از استدلال‌های عقلی به وفور استفاده می‌کرد.

دیدگاه الهادی در اصول دین چندان تفاوتی با امامیه ندارد. او بعد از اعتقاد به حسن و قبح عقلی، به دو اصل توحید و عدل به عنوان اصول اعتقادی پایبند است و بر اساس آن هرگونه تشبیه و تجسیم را نفی کرده و خدا را عادل می‌داند (الهادی، ۱۵۰-۱۸۰). الهادی با ارتقا دادن اصل «امامت» در حدّ یکی از اصول دین، آن را به جای اصل «المنزله بین المنزلتین» در مکتب اعتزال جایگزین کرد (زید، *تيارات المعتزله الیمن فی القرن السادس الهجری*، ۱۵۸). او برای احراز مقام امامت شروطی تکمیلی همچون دعوت علنی، خروج با شمشیر، عمل به کتاب و سنت، اعلم بودن، از فرزندان امام‌حسن و امام حسین علیهما السلام (زید، *معتزله الیمن*، ۱۸۲)، آمر به معروف و ناهی از منکر بودن (زید، همان، ۱۵۷)، شجاعت، سخاوت، تقوا، تواضع و عدالت را مطرح کرده بود (اکوع، ۶۸). الهادی در اوایل جوانی تحت تأثیر اندیشه معتزله بود و در کتاب *المنزله بین المنزلتین* اصول دین را بر اساس عقاید معتزله آورده، اما پس از تشکیل حکومت در یمن، تغییر رویه داده و بر اساس تفکرات و اندیشه شیعه امامیه، اصل امامت را جایگزین اصل منزله بین المنزلتین کرد (زید، *معتزله الیمن*، ۱۵۸). به عقیده الهادی امامت منصبی است

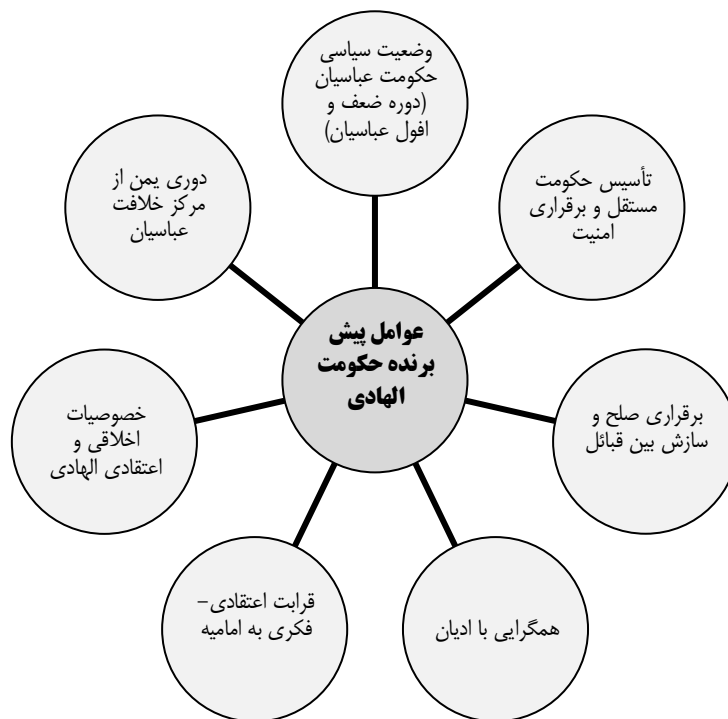


که از جانب خداوند عطا می‌شود و انتخاب مردم در آن دخالتی ندارد (احمد عبدالله، ۷۰؛ عماره، ۸۳). علاوه بر این به جای اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل نبوت را جایگزین کرد. تغییر اصول معتزلی به جایگزینی اصول امامیه به معنای دست کشیدن الهادی از اعتقاد به آن نیست، بلکه به معنای جایگزینی آن با اصولی مهم‌تر است. بعد از قرن سوم با انسجام و شکل‌گیری زیدیه، جریان‌های موسوم به «قاسمیه»، «هادویه» و «ناصریه» در امتداد جریان نزدیک به «امامیه»، به داد و ستد فرهنگی مشغول بودند. این داد و ستد که بیشتر بر محور امامت و احکام فقهی بود و دلایلی برای مشروعیت یا عدم مشروعیت امامان خود ذکر می‌کردند، زمینه مناسبی برای رشد مباحث فرهنگی، کلامی و فقهی در میان زیدیان و امامیه شد (انصاری، ۱۵۱).

### نتیجه

مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده و شتاب‌دهنده حکومت الهادی ریشه در دوران ضعف و افول حکومت عباسیان دارد. الهادی با شناخت موقعیت زمانی و مکانی منطقه یمن، از جمله بررسی وضع سیاسی خلافت عباسی و دور بودن یمن از مرکز خلافت عباسی، پس از ایجاد امنیت و صلح و سازش با برخی قبایل یمنی و همگرایی بین ادیان نظیر یهود و نصارا، توانست هر چند کوتاه بر بخش‌های وسیعی از صنعا و صعده با اقتدار حکم‌رانی کند. الهادی با استفاده از موقعیت جغرافیایی یمن توانست حکومت زیدیه یمن را تأسیس و تثبیت کند. وی با عنوان «منجی یمن» وارد صنعا شد و توانست پس از ورود، با وجود مشکلات بسیاری اعم از قحطی، خشکسالی و گرانی و نیز جنگ‌های متعدد داخلی و بین‌قبیله‌ای، میان قبایل یمنی اتحاد و صلح برقرار کرده و از نفوذ عباسیان و قرامطیان و اسماعیلیان در آن منطقه بکاهد. الهادی با دارا بودن شخصیت کاریزماتیک و رهبری فکری، عقیدتی و سیاسی و با داشتن روحیه انقلابی و خصوصیات و سجایای اخلاقی، علی‌رغم چالش‌ها و نبردهای متعدد داخلی، دست از فعالیت فرهنگی و تألیف برداشت و با آگاهی و شناخت دقیق فرصت‌ها و تهدیدها، راهبردهای متناسب جهت افزایش حضور تأثیرگذار در یمن اتخاذ کرد. او با تألیفات و رسائل گوناگون و فعالیت علمی، ارکان فرهنگی حاکمیت خویش را کامل کرد.

در این مقاله نشان داده شد که الهادی به عنوان امام و فرمانده برای رهایی از ضعف‌ها و برون رفت از بحران‌ها به راهبردهایی همچون برقراری صلح و سازش میان قبائل، همگرایی با ادیان و تلاش برای ایجاد آرامش و امنیت نیاز داشت تا جامعه و مردم را از خطرات و آسیب‌های سیاسی و فرهنگی حفظ کند. همچنین نشان داده شد برای اداره کردن جامعه‌ای که قبیله‌گرایی، جنگ و خونریزی بر آن چیره شده و غارت و انتقام‌جویی جایگزین امنیت و نظم شده، می‌توان با تأسی از قرآن و روش حکومت‌داری پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام، بر دل‌های مردم نفوذ کرد و با اجرا کردن احکام اسلامی و اعتقاد به اصول اعتقادی، حکومت دینی با معیارهای شیعه تشکیل داد.



(نمودار: برخی عوامل پیش‌برنده و صعود حکومت الهادی)

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ ۲، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵ش.
- ابن اثیر، علی بن محمد، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم محمدباقر کمره ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
- ابن حزم، علی بن محمد، جمهرة انساب العرب، بیروت، چاپ عبدالسلام محمد هارون، ۱۴۰۳ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمة، مصحح سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابن عبدالبر، الانباه علی قبائل الرواه، بیروت، چاپ ابراهیم ابیاری، ۱۴۰۵ق.
- ابن عبدالحمید، تاج الدین عبدالباقی یمانی، بهجه الزمن فی تاریخ الیمن، محقق مصطفی حجازی، قاهره، بی نا، ۱۹۶۵م.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد، الفصول الفخریه، تهران، چاپ جلال الدین محدث ارموی، ۱۳۶۳ش.
- ابن فند، محمد بن علی بن یونس، مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، تحقیق عبدالسلام عباس الوحیه، چ ۱، صنعا، دارالامام زید بن علی الثقافه النشر، ۲۰۰۲م.
- ابن قاسم، یحیی بن حسین بن قاسم بن محمد بن علی، غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی، به کوشش سعید عندالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیاده، قاهره، بی نا، ۱۳۸۸ق.
- ابن محمد، یحیی بن حسین بن قاسم، انباء الزمن فی تاریخ الیمن، مصحح محمد عبدالله ماضی، مکتبه الثقافیة الدینیة، محقق محمد عبدالله ماضی، برلین، لیبسیج، ۱۹۳۶م.
- \_\_\_\_\_، غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی، به کوشش سعید عندالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیاده، قاهره، بی نا، ۱۳۸۸ق.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی، البحر الزخار لجامع المذاهب علی الامصادر، محقق محمد تامر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۱م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، مترجم محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر،

- ۳۶۶ش.
- ابوزهره، محمد، الامام زيد، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۹م.
  - احمد عبدالله، عارف، الصله بين الزيديه والمعتزله، بيروت، دارالنبوغ، ۱۴۱۵ق.
  - اشعري، ابوالحسن علي بن اسماعيل، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، مصحح هلموت ريتز، بي جا، بي نا، ۱۴۰۰ق.
  - اكوع، قاضي اسماعيل بن علي، الزيديه نشاتها و معتقداتها، چ ۳، دمشق، دارالفكر، ۱۴۱۸ق.
  - انصاري، حسن، زيديه و منابع مكتوب اماميه، فصلنامه علوم حديث، قم، ۱۳۸۰ش.
  - بروكلمان، كارل، تاريخ الشعوب الاسلاميه، مترجم نبيه امين فارس و منير البعلبكي، بيروت، بي جا، بي نا، ۱۹۸۴م.
  - بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز، المسالك و الممالك، تونس، ادريان فان ليوفن، ۱۹۹۲م.
  - جان احمدى، فاطمه، «تاريخ سياسى و خدمات فقهى آل رسى در يمن»، فصلنامه پژوهش هاى تاريخى، سال ۵، ش ۱۹، ۱۳۹۲.
  - حجرى، محمد بن احمد، مجموع بلدان اليمن و قبائلها، قاهره، دارالكتب المصريه، بي تا.
  - حسنى، ابوالعباس احمد بن ابراهيم بن الحسن، المصباح، نسخه خطى ش ۸۱، صنعا، كتابخانه جامع كبير، بي تا.
  - حمادى، محمد بن مالك بن ابى الفضائل اليماني، كشف اسرار الباطنيه و اخبار القرامطه، محقق محمد زاهد كوثرى، قاهره، مكتبه الخانجى، ۱۹۵۵م.
  - حميرى، نشوان بن سعيد، الحورالعين، مصحح مصطفى كمال، چ ۱، قاهره، مكتبه الخانجى، ۱۳۶۷ق.
  - خضيرى احمد، حسن، دولت زيديه در يمن، مترجم احمد بادكوبه هزاوه، چ ۳، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ش.
  - خواندمير، غياث الدين بن همام الدين، تاريخ الحبيب السير فى اخبار افراد بشر، تهران، خيام، ۱۳۸۰ق.
  - زرکلى، خيرالدين، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربين والمستشرقين، چ ۸، بيروت، دارالعلم للملايين، ۱۹۸۹م.

- زيد، علي محمد، تيارات المعتزلة اليمن في القرن السادس الهجري، صنعاء، المركز العلمي للدراسات اليمنية، ١٩٩٧م.
- \_\_\_\_\_، معتزلة اليمن، صنعاء، مركز الدراسات والبحوث اليمنية، ١٩٨١م.
- سرور، محمد جمال الدين، النفوذ الفاطمي في جزيرة العرب، ج ٤، قاهره، بي نا، ١٩٤٦م.
- سمعاني، ابوسعيد عبدالكريم بن محمد بن منصور تميمي، الأنساب، مطبعة مجلس، هند، دائرة المعارف العثمانية، ١٣٨٢ق.
- شرف الدين، احمد حسين، تاريخ الفكر الاسلامي في اليمن، قاهره، بي نا، ١٩٦٨م.
- \_\_\_\_\_، تاريخ اليمن الثقافي، قاهره، بي نا، ١٣٨٧ق.
- شهرستاني، ابوالفتح محمد بن عبدالكريم، الملل والنحل، ج ٢، قم، الرضي، ١٣٦٧ق.
- صبحي، احمد محمود، الزيدية، قاهره، بي نا، ١٩٨٤م.
- سعدى، محمد بن حمزه، الاحاديث النبويه بالاسانيد الحيويه، محقق عبدالله بن حمود العزى، ج ١، عمان، موسسه الامام زيد بن علي الثقافه، ١٤٢٢ق.
- عارف، احمد عبدالله، الصله بين الزيديه و المعتزله، صنعاء، المكتبه بيروت، دار آزال، ١٤٠٧ق.
- علوى عباسى، على بن محمد عبيدالله، سيره الهادى الى الحق، محقق سهيل زكار، ج ٢، بيروت، دارالفكر، ١٠٤١ق.
- عماره يمني، تاريخ اليمن، محمد بن علي اكوع، صنعاء، ١٩٨٥.
- عماره، محمد، المعتزله و اصول الحكم، بيروت، الموسسه ألسيه للدراسات والنشر، ١٩٨٤م.
- قلقشندى، احمد بن علي، صبح الاعشى، قاهره، بي نا، ١٣٨٣ق.
- كحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب القديمه والحديثه، بيروت، موسسه الرساله، ١٤١٤ق.
- مُحَلَّى، حميد الدين بن احمد بن محمد، الحدائق الورديه في مناقب ائمة الزيدية، محقق المرتضى بن زيد المحطوري الحسنى، ج ٢، صنعاء، مكتبه مركز بدر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢٣ق.
- مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، مترجم ابوالقاسم پاينده، ج ٥،

- تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ق.
- مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم، تهران، سروش، ۱۳۸۰ش.
  - مقالح، عبدالعزیز، قرائت فی فکر الزیدیة والمعتزلة، بیروت، بی نا، ۱۹۸۲م.
  - مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، پاریس، چاپ کلمان هورا، ۱۹۱۹م.
  - ملطی، احمد بن عبدالرحمن، التنبیة و الرد علی الاهواء و البدع، قاهره، المكتبة الازهریه للتراث، ۱۴۱۷ق.
  - موسوی نژاد، سیدعلی و علی یزدانی، پیدایش و تطور دولت زیدیة در یمن، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۳ و ۴، ۱۳۸۹.
  - واسعی، عبدالواسع بن یحیی الیمانی، فرجه العموم فی حوادث و تاریخ الیمن، قاهره، مطبعة سلیفه، ۱۳۴۶ق.
  - الهادی الی الحق، یحیی بن حسین، مجموع رسائل الامام الهادی، محقق عبدالله بن محمد الشاذلی، چ ۱، عمان، موسسه الامام زید بن علی الثقافیة، ۱۲۴۱ق.
  - هارونی، یحیی بن حسین، الافاده فی تاریخ ائمة الزیدیة، محقق محمد یحیی سالم عزان، چ ۱، صنعاء، دارالحکمة الیمانیة، ۱۴۱۷ق.
  - همدانی، حسن بن احمد بن یعقوب، الاکلیل، محقق محمد بن علی اکوع، قاهره، بی نا، ۱۹۶۳م.
  - \_\_\_\_\_، صفة جزيرة العرب، بغداد، دارالشؤون الثقافیة العامة، ۱۹۸۹م.
  - یزدانی، علی و فاطمه جان احمدی، «بسترها، زمینها و چالشهای پیدایی جنبش زیدیة در یمن»، فصلنامه تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، ش ۸، ۱۳۹۱.